آخر خط

دیدار با زن سال‌خورده

قسمت اول

ایلیا موسایی| ناهید اسفندیاری سوار ال-نود سفیدرنگش، نزدیکی های خیابان خسروی بود که زن را دید. یک زن میان‌سال بود که خرت و پرت هایش را چپانده بود توی یک کیسه برنج هندی و نشسته بود روی جدول حاشیه خیابان. ناهید که رد می شد زن دستی تکان داد و چشم های ریزش را که نگاه بی حالتی توی آن لانه کرده بود به سمتی دیگر دوخت؛ انگار امیدی نداشت کسی سوارش کند. برای همین وقتی ناهید دنده عقب گرفت، مجبور شد دو سه باری بوق بزند تا زن متوجه او شود. اول گفت: «کرایه ندارم دخترم.» ناهید با لبخند سر تکان داد و وقتی زن سوار شد، فقط گفت: «دعات می کنم مادر.» ناهید حس کرد توی این جمله یک خورشید گرم و روشن، پنهان شده. گفت: «کجا می ری مادر؟» زن داخل کیسه برنج را پال پال کرد و پاره کاغذی را گرفت سمت ناهید.

ناهید همان طور پشت فرمان کاغذ را باز کرد. تا گفت: «اینکه دادگاهه!» صدای کوبش شدیدی بلند شد و اتاقک ماشین تکان تندی خورد. هر دو جیغ زدند. ماشین حاشیه خیابان پارک شده بود. ناهید پیاده شد و دید که سپر کامل از جا کنده شده و قسمتی از گلگیر تو رفته. ناهید داخل ماشین سرک کشید و یک تکه کاغذ روی داشبورد دید. یک شماره بود، زیرش نوشته بود در صورت مزاحمت تماس بگیرید. ناهید شماره را گرفت و خبر داد که تصادف شده.

مردی که جواب داده بود گفت: «خانم همون جا بمونید تا بیام.» ناهید هوف کشید. چراغ راست ماشین خودش خرد شده بود و نرمه هایش ریخته بود روی آسفالت. ناهید در ماشین را باز کرد. گفت: «مادرجان تصادف شده، نمی تونم برسونمت. باید اینجا بمونم تا یارو بیاد.» زن گفت: «خدا مرگُم بده، فدای سرت ننه، من که درگیر شرم، فدای سرت که نرسم و نرم.» ناهید نشست پشت فرمان. گفت: «تو این خیابون خلوت تصادف کردن نوبره والا.» زن گفت: «حواست پرت شد ننه، فکری نشو.» ناهید گفت: «دادگاه چی کار داری مادر؟» زن گفت: «هی مادر... زندگی من قصه س.» ناهید گفت: «منم نمی رسم به کارم.» زن گفت: «عروسم پسرمو مسموم کرده.» ناهید گفت: «نههههه... برای چی؟» زن گفت: «چه می دونم مادر، من از کار جوونا سردرنمی آرم، همیشه تو سروکله هم می زدن. من گفتم حتما طلاق می گیرن، ولی دختره نه گذاشت نه برداشت یه مشت سم ریخت تو غذای پسرم.» ناهید گفت: «الان پسرتون کجاست؟» زن گفت: «نمی دونم کجاست مادر! آدم بمیره کجا می ره دخترم؟» «یعنی مرده؟» زن گفت: «جسدشو که دیدم کباب شدم دخترجان، هرچی خون تو تنش بود رو بالا آورده بود.» ناهید دستش را روی دهانش گذاشت. زن گفت: «زندگی همینه دخترم، یه وقتایی با آدم راه نمی آد. پسرم رو کنار سفره پیدا کردیم، زنش همون طوری ول کرده بود و فراری شده بود.» ناهید هاج و واج مانده بود.

زن شروع کرد به هم زدن خرت و پرت های داخل کیسه برنج. گفت: «دخترم اون تیکه کاغذ که دادم دستت گم شد؟» ناهید دست و پایش را تکانی داد و کف ماشین را دست کشید. زن گفت: «دیروز یه موتوری کیفمو زد، الان با همین کیسه می رم این ور اون ور. اینم انقده گل و گشاده که بازار شام شده.» ناهید یک پاره کاغذ از کف ماشین برداشت باز کرد و نچ کرد و انداختش توی خیابان. زن گفت: «دیروز موتوری جل و پلاسمو زد، امروز هم این طوری به تصادف انداختمت. حتما خدا قهرش گرفته، یه حکمتی چیزی هست. لابد خوشش نمی آد برم اونجا.» ناهید گفت: «نیستش که... نکنه انداختمش تو خیابون، مادرجان می رفتی دادگاه چی کار؟» زن گفت: «من از این کارا سر درنمی آرم مادر. الان اولیای دم منم، می گن باید باشی تو دادگاه. اون طفلک رو هم دست و پا بسته می آرن جلو چشمام. خودم می دونم پسرم همچین شوهر خوبی براش نبود، ولی اینم راهش نبود دختر.» گوشی ناهید با آهنگ تندی زنگ می خورد. گفت: «ببخشید.» و جواب داد. میری بود. گفت: «خانم اسفندیاری باز م که دیر کردین!» ناهید گفت: «شرمنده م به خدا... تصادف کرده م.» میری گفت: «این هفته دفعه سومه... یه بار مریضین، یه بار ترافیکه، الانم که تصادف. من گفته بودم باید برم خریدامو انجام بدم.» ناهید گفت: «این وقت ظهر هیچ جا باز نیست. بعدشم من تصادف کرده م نمی تونم معجزه کنم الان برات که... بال هم ندارم بپرم بیام اونجا.» میری با همان خون سردی همیشگی اش گفت: «حالا بدهکار هم شدم؟» ناهید گفت: «برو بابا» و قطع کرد...

ادامه دارد

اشرار مسلح خون به پا کردند

پلیس در عملیات‌های جداگانه، پرونده ۲ گروه از اراذل‌واوباش خطرناک را در مشهد بست

مهدی قرآنی

گزارش

● اول: شرح ماوقع

دو گروه اراذل‌واوباش مسلح که از چندی پیش در مناطق مختلف مشهد با اسلحه گرم و سرد به جان شهروندان افتاده بودند و تعدادی را مورد ضرب‌وجرح قرار داده و راهی بیمارستان کرده بودند، از سوی عوامل پلیس شناسایی و در عملیات‌هایی مجزا شناسایی و دستگیر شدند.

این عملیات‌ها با توجه به انتقال مخفیگاه‌های متهمان به کندی پیش می‌رفت تا اینکه مأموران انتظامی و منابع اطلاعاتی پلیس، موفق به ردزنی این اشرار مسلح شدند و آن‌ها را در اقدامی غافل‌گیرانه زمین‌گیر کردند.

بادستگیری این افراد تعدادی از شهروندان ضمن شناسایی آن‌ها از این افراد شکایت کرده‌اند.

● دوم: تسویه‌حساب با کلت کمری

از ظاهرشان پیدا بود که کمتر از ۲۵سال دارند. یکی‌شان ۲۲سال را پر کرده و دیگری در آستانه بیست‌وپنج ساله‌شدن است. آن‌ها شبانه به خانه مردی میان‌سال در یکی از روستاهای منطقه فردوسی ریخته بودند و هر کاری از دستشان برمی‌آمد برای تبهکاری انجام داده بودند. از شلیک هوایی چند تیر با سلاح جنگی گرفته تا تهدید اهالی خانه به قتل و ایجاد رعب و وحشت در محله.

با اعلام این خبر به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، گروه‌هایی از مأموران پلیس امنیت عمومی مشهد وارد عمل شدند تا این اشرار خشن را سرجایشان نشانده و آن‌ها را دستگیر کنند. ماجرای درگیری این افراد شرور از زبان شاکی پرونده این‌گونه مطرح می‌شود که آن‌ها (متهمان) به‌دلیل اختلافات قبلی با پسر بیست‌وسه‌ساله این خانواده سر کری‌خوانی‌های مجرمانه دست به این کار زده‌اند.

در بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته‌ای که در نزدیکی صحنه جرم وجود داشت نیز مشخص می‌شود که متهمان با یک دستگاه خودروسواری پژو ۲۰۷ مشکی‌رنگ در مقابل منزل شاکی می‌ایستند و ضمن شکستن شیشه‌های این خانه مسکونی و عربده‌کشی در محل سکونت طرف مقابل با کلت کمری جنگی چند تیر هوایی شلیک می‌کنند. اتفاقی که در تحقیقات مأموران از سوی اهالی محل تأیید می‌شود و چند تن از شاهدان در اظهارات خود به این نکته اشاره می کنند.

متهمان برای زهره‌چشم گرفتن از پدر پسر جوانی که با او اختلاف داشتند، او و اعضای خانواده‌اش را تهدید به قتل می کنند و سپس از محل متواری می‌شوند.

مأموران در ابتدای تحقیقات خود با استفاده از شماره پلاک خودرو متهمان، رد این افراد را در یکی از مناطق غربی شهر مشهد می گیرند ولی ظاهرا این متهمان خطرناک از چندی قبل محل را تخلیه کرده و به جایی دیگر نقل مکان کرده بودند.

تحقیقات پرونده همان‌طور که ادامه داشت گزارش‌های مشابه دیگری به پلیس اعلام می‌شد و پرونده متهمان را سنگین‌تر می کرد. گروه عملیات ویژه پلیس امنیت مشهد، پیگیری‌های خود را در مسیر رسیدن به سوژه و دستگیری آن‌ها ادامه می‌داد تا اینکه ردی از این افراد در منطقه کوثر مشهد به دست آمد. سرنخی که خیلی زود مأموران را در یک‌قدمی این اشرار مسلح قرار داد. با دستور بازپرس شعبه ۴۰۷ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، عملیات ضربتی گروه امنیتی آغاز و مأموران ضمن محاصره مخفیگاه مجرمان در زمان مناسب وارد محل شدند.

اشرار مسلح درحالی که گرم استراحت بودند به‌ناگاه خود را در برابر سلاح‌های از نیام درآمده مجریان قانون دیدند و آن‌ها که راهی جز تسلیم‌شدن در برابر پلیس برایشان نمانده بود، خود را تسلیم کردند. مجرمان همچون دیگر متهمان که ابتدا حاضر به همکاری با قانون نیستند، صفر تا صد اتفاقات پرونده پروپیمان خود را کتمان کرده و زیر بار این حقیقت نرفتند. اتفاقی که با انتقال مجرمان به مقر فرماندهی نیروهای امنیتی خیلی زود رنگی از حقیقت گرفت. متهمان بیست‌ودو و بیست‌وپنج ساله که سابقه شرارت در چند منطقه از شهر مشهد را دارند به جرم خود اقرار کردند. مأموران نیز در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح کلت کمری به همراه هشت فشنگ جنگی را که داخل سقف کاذب جاسازی شده بود، کشف و ضبط کردند. از خودرو ۲۰۷ و بخش دیگری از این خانه مسکونی متعلق به متهمان دو قبضه چاقو و قمه، سه عدد چماق و سه عدد پلاک جعلی خودرو کشف شد.

عکس تزئینی است

● سوم: قداره‌کشی روی مردم

مأموران پلیس امنیت عمومی مشهد طی رسیدگی به پرونده مشابه دیگری موفق شدند تا جلو شرارت یکی از اراذل‌واوباش تحت پیگرد را بگیرند و او را در اقدامی ضربتی به دام بیندازند. عملیاتی که برخلاف پرونده قبلی در محدوده شرق شهر مشهد اجرا شد و یک متهم سابقه‌دار نیز در آن شناسایی و دستگیر شد. این پرونده در پی گزارش‌های متعدد مردمی در دستورکار مأموران پلیس امنیت قرار گرفت. پرونده‌ای که در آن شرور سابقه‌دار دست به چاقو و قمه شده بود و ضمن ایراد خسارت مالی به اموال عمومی و خصوصی چند تن از شهروندان مشهدی را خونین و راهی بیمارستان کرده بود.

مزاحمت برای نوامیس، زورگیری، شرکت در نزاع‌های دسته‌جمعی، عربده‌کشی، قدرت‌نمایی در شبکه‌های اجتماعی، تهدید به قتل، ایجاد رعب و وحشت و اخلال در نظم عمومی ازجمله اقدامات مجرمانه‌ای بود که در کارنامه این مجرم خطرناک به چشم می‌خورد.

مأموران که کار خود را برای شناسایی این فرد آغاز کرده بودند با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از سوی منابع خبری خود این مرد جوان را در مخفیگاهش در یکی از روستاهای محدوده جاده تبادکان شناسایی و در اقدامی غافل‌گیرانه زمین‌گیر کردند. متهم در یک باغ‌ویلا مخفی شده بود که مجریان قانون با حکم قضایی داخل مخفیگاهش ریختند و قبل از اینکه این شخص موفق شود از چنگ قانون بگریزد، او را دستگیر کردند. در بازرسی از محل نیز یک قبضه قمه، یک قبضه چاقو و سه عدد چماق کشف و ضمیمه پرونده این فرد شد.

● آخر: زندان پایان کار اشرار مسلح

فرمانده انتظامی مشهد اما روز گذشته در تشریح دیگر جزئیات دو پرونده گشوده شده در پلیس امنیت عمومی این شهر به خبرنگار ما گفت: در پرونده اول که دو جوان بیست‌ودو و بیست‌وپنج ساله سابقه‌دار در آن نقش داشتند، طبق تحقیقات صورت‌گرفته از این افراد، مشخص شد که آن‌ها ضمن شرکت در نزاع‌های دسته‌جمعی، تیراندازی و حمل سلاح گرم، تهدید به قتل و ایجاد رعب و وحشت، محدوده غربی مشهد را به ناامنی کشانده و آرامش شهروندان را در آن مناطق خدشه‌دار کرده‌اند. ازاین‌رو باوجوداینکه این افراد مدام مخفیگاهشان را عوض می‌کردند، درنهایت ردزنی و در دام قانون گرفتار شدند.

به گفته سرهنگ احمد نگهبان، تاکنون تعدادی از شهروندان به مرکز پلیس امنیت عمومی مشهد مراجعه کرده و ضمن شناسایی این اشرار علیه آن‌ها شکایت تنظیم کرده‌اند. پرونده این افراد نیز پس از تکمیل تحقیقات اولیه و پیوست مستندات پلیسی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. این دو جوان سابقه‌دار نیز با دستور مقام قضایی روانه زندان شدند و تحقیقات ما از آن‌ها برای کشف دیگر جرائم احتمالی‌شان ادامه دارد.

این مقام ارشد انتظامی مشهد به دومین پرونده گشوده شده در پلیس امنیت مشهد اشاره کرد و افزود: در این پرونده نیز مشخص شد که متهم تاکنون ۱۰نفر از شهروندان را مورد آزار و اذیت و ضرب‌وشتم قرار داده است که این افراد همگی در مقر انتظامی پلیس امنیت مشهد حاضر شده و ضمن شناسایی جوان شرور از این فرد به اتهام تهدید به قتل، ضرب‌وجرح با سلاح سرد و مزاحمت برای نوامیس شکایت کرده‌اند.

سرهنگ نگهبان ادامه داد: در بخش دیگر تحقیقات این پرونده نیز مشخص شد که متهم دارای هشت فقره پرونده کیفری به جرم نزاع و درگیری، ایجاد رعب و وحشت و اخلال در نظم و امنیت عمومی است. او همچنین در جریان یک نزاع خیابانی ضمن مجروح کردن زنی باردار، با چاقو به دست شوهر این زن که قصد دفاع از همسرش را داشته، ضربه‌ای زده است که در این میان تاندوم‌های دست این شخص پاره شده است. علاوه بر این متهم، هفت‌تن از شهروندان را با چاقو مجروح کرده است. بنا بر اعلام رئیس پلیس مشهد، پرونده این مرد جوان نیز پس از تکمیل تحقیقات در اختیار مقام قضایی قرار گرفت و با صدور قرار قضایی راهی زندان شد.

نبی۵ساله جان بخشید

خبر

ابوعطا| نبی شیرین سخن را تابه‌حال کسی در این وضع ندیده بود. انگار در نیمه‌شبی زندگی می کرد و آرام خفته بود، ولی نه در بستر همیشگی‌اش، بلکه روی تخت بیمارستان. اگرچه این خواب درنهایت با تشخیص پزشکان آشفته شد، خوابی که معمولی نبود و نبی کوچک به خواب مرگ فرورفته بود. اما در پی بدحالی نبی، دو کودک دیگر این روزها نگاهشان به زندگی تغییر می کند و پس از مدت‌ها خوابی آرام را تجربه می کنند.

در روزهای گذشته با اعلام مرگ مغزی نبی یعقوبی، بیمار پنج‌ساله در بیمارستان سجادیه تربت‌جام، اقدامات نهایی انجام شد و پس از دریافت رضایت خانواده، این کودک برای انجام عمل پیوند عضو به مشهد منتقل شد.

به گفته دکتر ابراهیم خالقی، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در هزاروسیصدوبیست‌وهشتمین عمل اهدای عضو از اهداکننده مرگ مغزی، قرنیه‌های زنده‌یاد نبی یعقوبی برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد.

مرگ تلخ یک مرد در مشهد

خبر

ابوعطا| تابه‌حال شده به مرگ فکر کنید، به چگونگی‌اش، به زمانش به مکانش. شاید مرد سی‌وشش ساله مشهدی دیروز صبح در لابه‌لای روزمرگی‌هایش، حتی لحظه‌ای فکر نکرده بود که ناهار ظهر را نخواهد چشید و به جایش مرگ را همچون لیوان آبی سر می کشد. او قطعا فکر نمی کرد که همان کار تکراری هر روزه‌اش، امروز تله‌ای باشد برای ستاندن جانش. هر چه بود دیروز یک مرد در مشهد مرد، آن هم بسیار ناگهانی.

ماجرای این پرونده به روایت پلیس، از آنجا آغاز شد که شهروندان در تماس با پلیس از مرگ ناگهانی فردی در محل کارش اطلاع دادند. بلافاصله مأموران کلانتری سناباد به همراه نیروهای امدادی به خیابان سنایی اعزام شدند.

بررسی‌های اولیه نشان داد که مردی سی‌وشش ساله هنگام استفاده از بالابر دچار برق گرفتگی شده و درجا جان باخته است. تکنسین‌های اورژانس نیز مرگش را تأیید کردند. اما نوع حادثه، احتمال وقوع حوادث دیگر را نیز به همراه داشت و همین شد که امدادگران، بلافاصله اقدام به ایمنی محل کردند. اتصالی سیم‌های بالابر نیز علت حادثه اعلام شد.

روی خط حادثه

واژگونی خودروها زیر پل امام حسین^(ع)

دندانساز| روز گذشته، چند خودرو در زیرگذر پل میدان امام حسین^(ع) از مسیر منحرف و دچار حادثه شدند. حادثه واژگونی چند خودرو در زیر پل میدان امام حسین^(ع) مشهد به‌سمت میدان فجر، نیمه‌شب دیروز به مرکز فوریت‌های اورژانس مشهد گزارش شد. خودروهایی که به‌دلیل لغزندگی آسفالت از مسیر خود منحرف و دچار حادثه شدند. با اعلام حادثه، سه دستگاه آمبولانس برای رسیدگی به وضعیت مصدومان به این محل اعزام شدند و پنج مصدوم را برای مداوا به بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد منتقل کردند.

کشف بیش از ۲۲هزار عدد قرص غیرمجاز در توس

شهرآرا| ده‌ها هزار عدد قرص غیرمجاز از یک واحد صنفی متخلف در مشهد کشف و ضبط شد. مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر مشهد با رصدهای میدانی خود به اطلاعاتی مبنی بر توزیع گسترده قرص‌های غیرمجاز در یک واحد صنفی متخلف در بولوار توس دست یافتند و پس از هماهنگی با مقام قضایی در اقدامی ضربتی و غافل‌گیرانه در بازرسی از مکان موردنظر، ۲۲هزار و ۹۸۷عدد انواع قرص غیرمجاز و ۷۵۰سی‌سی شربت غیرمجاز را کشف کردند. همچنین در همین رابطه سه متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

جدول ۳۷۷۶

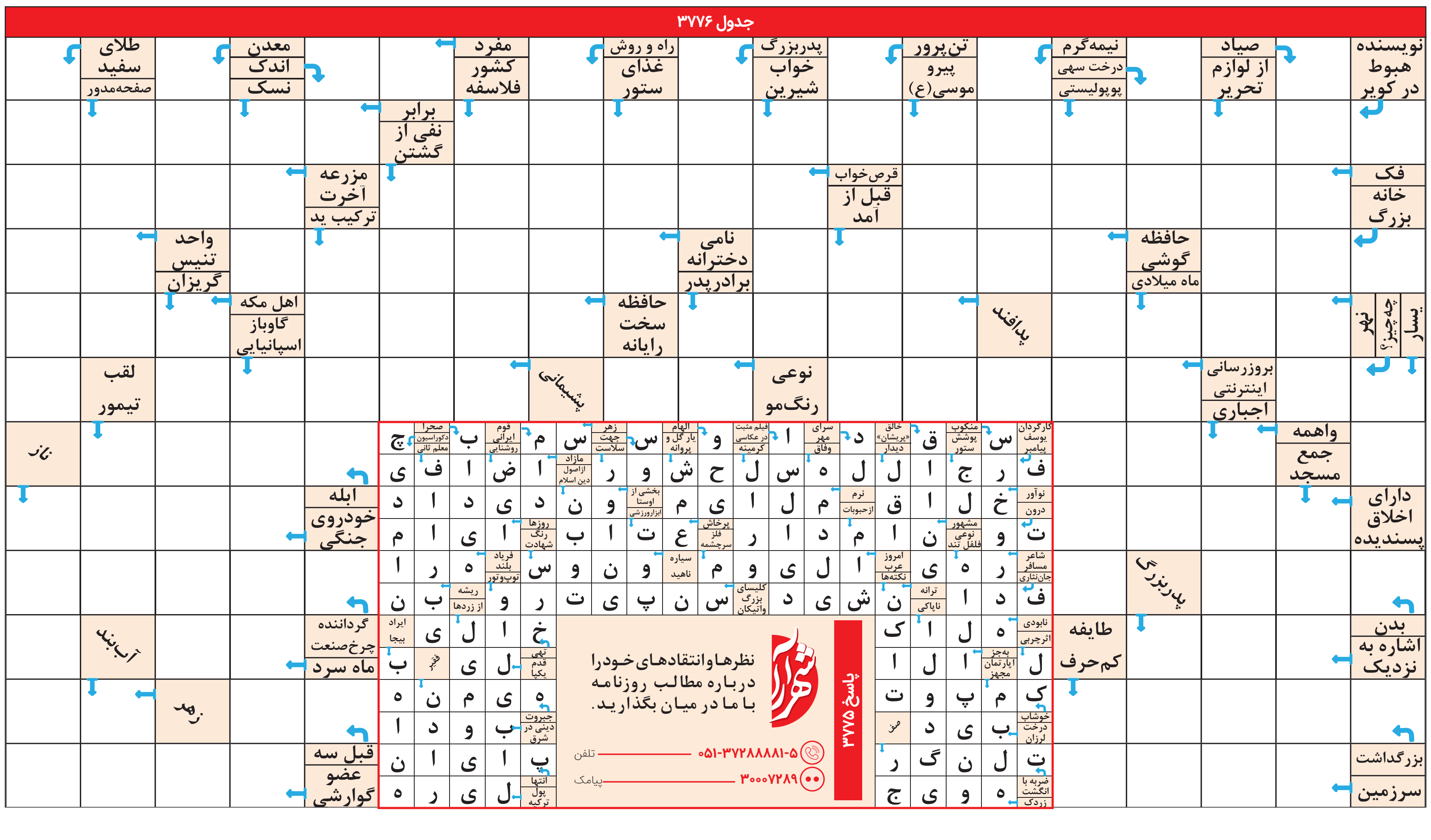

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹